

**مقدمه**

برای شناخت شیراز و راه یابی به اسرار پنهان در پیچ پیچ کوچه ها و درهای باز خانه ها به روی میهمان و لذت بردن از گوش شیرین مردم کوچه و بازار باید عاشق باشی، شیرازی باشی، جان و دلت برای شیراز پرپر بزند و ذرات وجودت با خاک این بهشت در هم آمیزد.

آن گاه دست در دست هم، گام به گام محله‌ها را بگردیم، وجب به وجب کوچه ها را ببیماییم و خاطرات و گذر زمان را در ذهن تداعی کنیم و به یاد آوریم.

به یاد آوریم روزهایی را که در جنگ جهانی دوم با بیچه های هم سن و سال با پاهای پتی **pati** (برهنه و بدون کفش) روی قلوه های فرش شده‌ی کوچه می‌دویدیم و به همراه دیدن هوایِما در آسمان با هم می خواندیم:

بالون تو هوا خدا خدا شه
فرنگی مرده و آلمان به جاشه
(هوایِما در آسمان خدا خدا می کند و می گوید فرانسه شکست خورده و آلمان جانشین آن شده است)

و به یاد آوریم شنب هایی را که جوانان عاشق به هنگام عبور از کوچه ی معشوق خویش، دست‌ها را به کنار گوش خود می نهادند و آواز عاشقی سر می‌دادند تا این که معشوق در داخل خانه آواز عاشقانه را بشنود، دل خوش کند و لذت ببرد.

اکنون چهره‌ی شیراز دگرگون گشته و به یک آبِ شهر تبدیل شده است. برای شناخت شیراز قدیم نباید «در اجاقی طمع شعله بندی» و همه چیز را مانند گذشته تماشا کنی، چون گسترش شهر و مدرنیسم زیر چرخ های خود آثار به جا مانده را در هم کوبیده است، اما ناامید هم نباید باشی «خردک شوری هست هنوز»

دستانت را در دست های من بگذارید تا با هم به گوشه و کنار شهر سری بزنیم و گذشته های نه چندان دور آن را به یاد آوریم.

ابتدا از حصار و خندق، دروازه ها، کل ها، گودها، میدان ها، کوشک ها، حوض ها، فلکه ها، محله‌ها، کوچه های مشهور، اتنای ها، بازارها و بازارچه ها و حمام هایی را که تنها نامی از آنها به جا مانده یاد می کنیم و به دیدن بازارهای موجود، کاخ موزه ها و خانه های قدیمی، کاروان سراها، گاراژها و پایانه‌های مسافری و

می گویند کل شده است. هم چنین کاسه‌های سفالینی که کهنه شده و در آن آب و غذا برای سگ و حیوانات می گذارند کل می‌گویند.
در زمان صلح و آرامش قسمتی از حصار بین دو دروازه ی شهر را سوراخ می کردند تا در هنگام شب که دروازه ها بسته است اگر مسافری بخواهد وارد شهر شود، بتواند از این گذرگاه ها عبور کند.

این محل عبور را کل می گفتند.

**کل های شیراز**

– کل مشیر بین دروازه ی باغشاه و دروازه کازرون

– کل تیموری بین دروازه ی اصفهان و دروازه ی سعدی

– کل شیخ ابودرعا بین دروازه ی سعدی و دروازه قصاب خانه

– کل شاهزاده قاسم بین دروازه ی شاهداعی و دروازه ی کازرون

**گودهای شیراز**

شیراز جلگه ای ابرقی است که از غرب به شرق کشیده شده است.

مردم شیراز ابتدا در دو قلعه ای که در ارتفاع قرار داشت زندگی می کردند. گروهی در قلعه ی ابونصر روی کوهپایه ی کفتک در شرق و گروهی دیگر در قلعه ی (پَهَندَر یا قلعه بندر پا قلعه ی کهنَدژ یا قلعه ی فِهَندژ یا قلعه ی قِهَندژ) روی کوهپایه ی رو به روی باغ دلگشا در شمال شرقی می زیستند.

زمانی که محیط جلگه آماده ی زندگی کردن شد و جمعیت هم افزون گردید، مردم برای خانه‌سازی و ایجاد شهر دست به کار شدند و از این دو قلعه به میانه ی جلگه نقل مکان کردند. مردم شهر استخر هم پس از سقوط آن شهر به شیراز کوچ کردند.

برای ساختن خانه احتیاج به خاک فراوان برای خشت زدن بود، بنابراین مناطقی را گود می کردند. و از خاک آن خانه های محله ای را می ساختند. بنابراین نزدیک هر محله، گودال بزرگی ایجاد می شد. سپس روستائیان و مهاجرین تهیدستی که به این شهر وارد می شدند و استطاعت خرید زمین مرغوب برای خانه سازی نداشتند در این گودال ها به یک سر می بردند.

**گودهای مشهور شیراز**

– گود خزینه واقع در خیابان بین علی بن حمزه

– گود کوشک

– گود کوشک

**اکنون چهره‌ی شیراز دگرگون گشته و به یک آبِ شهر تبدیل شده است. برای شناخت شیراز قدیم نباید «در اجاقی طمع شعله بندی» و همه چیز را مانند گذشته تماشا کنی. چون گسترش شهر و مدرنیسم زیر چرخ های خود آثار به جا مانده را در هم کوبیده است.**

– گود کوشک

– گود کوشک

– گودکوشک

– گودکوشک

– گودکوشک

– گودکوشک

– گودکوشک

– گودکوشک

– گودکوشک

– گودکوشک

– گودکوشک

– گود قره مَمَدی (محمدی) میدان ولیعصر که برکه ای پرآب بود.

– گود زنبورک خونه، گودی که در آن “زنبورک” که نوعی توپ کوچک بود و بر روی شتر بسته می شد را می ساختند یا نگهداری می کردند.

**میدان های قدیمی شیراز**

میدان به معنی: عرصه، پهنه، فسحت و هر جای فیراخ و پهن بی عمارت است. هم چنین عرصه های فیراخ در شهرها که در آن ستون، سبزی، کاه و هیزم، زغال، گندم، جو و میوه فروشنده و جایگاهی وسیع برای نبرد کردن، اسب‌سواری و چوگان بازی است (لغت‌نامه‌ی دهخدا)

– میدان توپخانه، روبروی ارگ کریم خانی که جشن های طی و مذهبی را در آن برگزار می کردند.

– میدان علاف ها، خیابان لطفعلی خان زند، شرق مدرسه ی خان که در آن علوفه‌ی چهارپایان می فروختند.

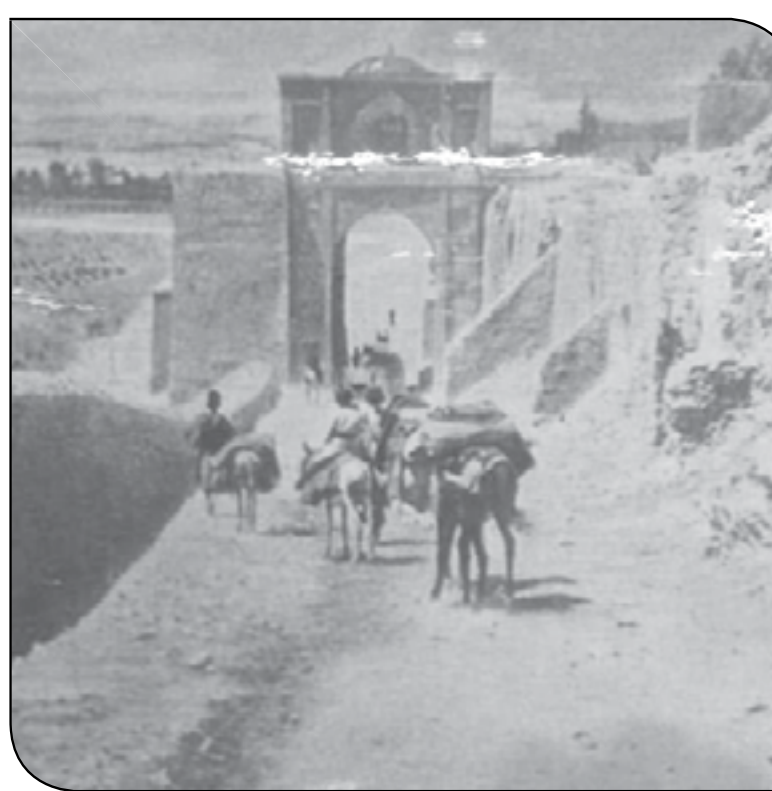
– میدان شاه، بین چهار راه مشیر و چهارراه نمازی.

– میدان مولا، خیابان زَند جنوبی بعد از بازار وکیل

– میدان مال فروش ها، خیابان طالقانی،

# گل گشتی در شیراز

**بخش نخست**



روبروی ساختمان دارایی که محل خرید و فروش چهارپایان بود.

**کوشک های شیراز**

در لغت، کوشک به معنای قصر و بنای بلند است.

در شیراز، مالکان زمین های زراعی اطراف شهر، در زمین زراعی خود کلبه هایی برای استراحت کارگران و زارعان خود می ساختند تا این که همیشه در اختیار او باشند و نخواهند هر روز فاصله ی بین محل کار در بیرون شهر و محل زندگی در داخل شهر را بپیمایند و وقت صرف کنند.

ضمناً در همان مکان ساختمانی بلند و دو طبقه هم برای مالک می ساختند تا بتواند از آن جا بر کار زارعان نظارت کند. این مجموعه را کوشک می گفتند.

کوشک های معروف اطراف شهر شیراز در گذشته که امروز جزو شهر شده اند و فقط نامی از آن ها باقی مانده است.

– کوشک بی بی چه (بیچه) سمت راست بولوار صنایع.

– کوشک عباس علی، بین خیابان فخرآباد، و شمس تبریزی

– کوشک قوامی، بین خیابان زرهی و بولوار بعثت

– کوشک میدان، بین آرامستان دارالرحمه و کمربندی.

– کوشک نصرالله میرزا، خیابان هفت تیر (۲۰ متری سینما سعدی) جنب مسجدالرضا

– کوشک سعدی، سمت شرق باغ دلگشا

– کوشک بُنَدَر (BONAZR، حاشیه ی کوه سبز پوشان

– کوشک باغ ناری (بولوار جمهوری) کوشک زلزله

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

– کوشک کوشک

محله ی درب شاهزاده، از غرب به محله های اسحاق بیگ و لب آب، از جنوب به محدوده ی خائون و از شرق به دروازه ی قصابخانه و کل شیخ ابودرعا محدود می شد. بناهای معروف این محله عبارت است از: بقعه ی حضرت سید علاءالدین حسین(ع)، آرامگاه شیخ روزبهان، نارنجستان قوام، خانه ی زینت الملوک (مرکز فارسی شناسی)، مسجد قورخانه، حمام گودی، مدرسه ی هاشمیه و آرامگاه شیخ ابودرعا.

۲ – محله ی لب آب که قنات آب قوامی از میانه ی آن می گذشت و به محله ی بالاکند می‌رسید. این محله از جنوب به دروازه ی شاهداعی، از شمال به محله ی اسحاق بیگ، از غرب به محله ی سردزک و از شرق به محله ی بالاکند محدود بود. از بناهای معروف این محله می توان مسجد علی، مدرسه ی منصوریه و آرامگاه سید شریف جرجانی را نام برد.

۳ – محله ی اسحاق بیگ از محله های مرکزی شیراز بود. محدوده ی این محله عبارت بود از شمال، محله ی درب شاهزاده، از جنوب محله ی لب آب، از شرق محله ی بالا کند و از غرب محله ی بازار مرغ، بناهای معروف این محله عبارت است از: مسجد و خانه ی نصیرالملک، مسجد حاج میرزا کریم صراف و مدرسه ی خان.

۴ – محله ی درب شاهزاده که قبر شاهزاده منصور مظفری در آنجاست. این محله محدود بود از شمال به دروازه ی اصفهان، از شرق به دروازه ی سعدی، از جنوب به محله های بالا کند، اسحاق بیگ و بازار مرغ. از بناهای معروف این محله، بازار، مسجد و حمام وکیل، مسجد مولا، مسجد آقااباباخان و کاروانسراهای احدی، روغتی، گمرگ و قیل است. ضمناً محله های کوچک شیادان و موردستان هم جزء همین محله بوده است.

۵ – محله ی بازار مرغ، این محله هسته ی مرکزی شیراز محسوب می شد. این محله در بین محله های اسحاق بیگ، درب شاهزاده، لب آب، سردزک و میدان شاه واقع بود. از ساختمان های معروف این محله می توان به حرم حضرت احمدین موسی و محمدین موسی، مسجد جامع عتیق، مسجد اتابکان (نو)، بازار حاجی، اردوبازار، سرای مشیر، بازار مسگرها و مدرسه ی حکیم اشاره کرد.

۶– محله ی سردزک، این محله از شمال به بازار مرغ، از جنوب به کل شاهزاده قاسم، از شرق به لب آب و از غرب به محله ی سنگ سیاه محدود می شد. بناهای معروف آن عبارت است از مسجد حاج باقر، مسجد بغدادی و بقعه ی میرآخور. ۷ – محله ی میدان شاه. این محله از محله‌های شمالی شیراز بود. این محله از شمال به درب شاهزاده، از غرب به کل مشیر و دروازه ی باغ شاه، از جنوب به محله ی سنگ سیاه و از شرق به محله ی بازار مرغ محدود می شد. محله ی کلیهی‌ها هم جزئی از همین محله بود. از بناهای شاخص این محله، مسجد سیه سالار، کنیسه ی یهودیان و مسجد آقا احمد است.

۸ – محله ی سنگ سیاه. سبب نام این محله به سنگ سیاه به دلیل وجود سنگ سیاهی بود که بر مزار سیبویه نهاده بودند. این محله از شمال به میدان شاه، از جنوب به دروازه ی کازرون و از شرق به محله ی سردزک محدود می شد. از بناهای شاخص این محله، بازارچه و کلیسای ارامنه، بقعه ی بی بی دختران، حسینیه کردها، بقعه‌ی سید تاج الدین غریب، خانه های فروغ الملک، سعادت، ضیاعیان و… (نقل از کتاب شیراز، شهر سرفراز)

در فارس‌نامه ی ناصری آمده است که «شیراز در گذشته ی دور و در زمان معموری دارای دوازده دروازه و نوزده محله بوده است.

کریم خان زند دروازه ها را به شش و محله ها

**مردم شیراز ابتدا در دو قلعه ای که در ارتفاع قرار داشت زندگی می کردند. گروهی در قلعه ی ابونصر روی کوهپایه ی کفتک در شرق و گروهی دیگر در قلعه ی (پَهَندَر یا قلعه بندر یا قلعه ی کهنَدژ یا قلعه ی فِهَندژ) روی کوهپایه ی رو به روی باغ دلگشا در شمال شرقی می زیستند.**

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

– گود کوشک

در نظر می گرفتند و همه ی مردم، کوچه را به همان نام می خواندند.

کوچه های شیراز را به مناسبت های گوناگون نام‌گذاری می کردند.

۱ – گاهی در یک کوچه مردمانی می زیستند که شغلی یک سان داشتند مانند: کوچه ی صابونی‌ها (در محله ی بالا کفند بین فلکه ی مصدق تا دروازه‌ی قصابخانه) که چندین کارگاه صابون پزی در آن کوچه بود.

کوچه ی ذغالی ها (یکی در دروازه ی قصابخانه و یکی در چهار راه مشیر) که ذغال فروش ها آنجا بودند.

۲ – اگر اهالی یک طایفه و یا یک قوم به‌خاطر امنیت بیشتر و ارتباط با هم در یک کوچه مسکن می کردند. آن کوچه به نام آن طایفه و قوم معروف می شد مانند کوچه ی لک ها (بین آرامگاه روزبهان و آستانه) گویند لک ها از امتزاج دو قوم لر و کرد ایرانی به وجود آمده اند. در این کوچه مردمانی لک نژاد خانه داشتند.

۳ – گاهی مردم پیرو یک فرقه یا مذهب که در اقلیت بودند در یک کوچه مسکن می گزیدند و کوچه به نام آن فرقه‌ی مذهبی مشهور می‌شد. مانند: کوچه ی علی‌اللهی‌ها (بین در و شیخ و آستانه) که در این کوچه مردانی قوی هیکل با گیسوانی بافته و ریش های انبوه و بلند می زیستند. این مردمان پیروان متعصب و تندرو حضرت علی(ع) بودند که در محبت خود به ایشان غلو می کردند و ایشان را به مقام الوهیت می رساندند.

۴ – تعدادی از کوچه ها به نام شخص مشهوری که در آن کوچه خانه داشت معروف می شد مانند: کوچه ی باغ قوام (در محله ی بالا کند). کوچه ی رئیس العلما (نزدیک در شیخ) که از روحانیان مقتدر بود. کوچه ی سیف القلم (در محله ی لب آستانه) که گویند این شخص قاتل زن ها بوده، او به پنهانی این که زنش در حال وضع حمل است و کمکی ندارد، زن ها را می‌فریفته و به خانه می‌برده و با شربت سیانور آن‌ها را مسموم می کرده.

کوچه ی صدارالحکما ی پُرشک (در محله ی اسحاق بیگ). کوچه بکائی (در خیابان قاتئی) کوچه‌ی عطالدوله (در محله ی قوام) کوچه شبیانی (کوچه ی لشکری (در چهار راه مشیر) و… ۵ – به بعضی از کوچه ها به خاطر شکل ظاهریشان نام می نهادند مانند: کوچه ی هفت پیچ (در محله ی سردزک) که پیچ فراوان داشت و کوچه ی قهر و آشتی (در دروازه ی قصابخانه، از انشعابات کوچه ی صابونی‌ها) عرض این کوچه به اندازه ای باریک است که فقط یک نفر می تواند از آن عبور کند. حال اگر دو نفر که با هم قهر بودند و در این کوچه ی تنگ با هم روبرو می شدند، با هم آشتی می کردند.

۶ – کوچه هایی هم بودند که نام پادشاه یا امپری را یدک می کشیدند مانند کوچه ی خشایارشاه (نزدیک مسجد نصیرالملک). در گوش شیرازی این کوچه «خشو رُشه یا قشو رُشه تلفظ می‌شد که تحریف و خلاصه ی «خشیارشه» یا «آخوشروش» بود.

۷ – کوچه هایی هم به نام یک ساختمان یا یک مسجد و امام زاده ای که در آن بود معروف می‌شد مانند کوچه ی مسجد جمعه، کوچه ی مسجد حاج علیرضا (در محله ی میدان شاه)، کوچه ی سید ذوالفقار (بین خیابان زند جنوبی و خیابان تیموری، کوچه ی امام زاده کازرونی (در محله ی بالا کند) کوچه ی باغ سالاری (در محله ی بالاکند)، کوچه ی چپر خونه، چهارباخانه (در دروازه ی اصفهان)، کوچه ی سرباغ (جنوب مسجد نو از سر ذک تا بازارچه ی ارمنی‌ها) نام این کوچه یادگار باغی است که در زمان اتابک سعد بن زنگی باغ حکومتی بوده و این پادشاه نامی از آن را به مسجد اتابکی (نو) تبدیل کرده است.

**تاق های قدیمی شیراز**

طاق ها کوچه های سرپوشیده ای هستند که در یزد و بعضی از شهرهای فارس به آن سایات یا سایاط می‌گویند. صاحبان املاک و ساختمان های بزرگ برای رفاه حال مردم و ایجاد ارتباط بین دو کوچه که محل آمد و شد اهالی بود، میان زمین ساختمان بزرگ خود یک کوچه ایجاد می کردند که این کوچه، دو کوچه ی از هم جدا مانده را به هم متصل می ساخت. ضمناً برای این که از مساحت ساختمان و ملکشان کم نشود. روی کوچه را می‌پوشاندند و سقف آن را تاق می زدند و روی تاق هم اتاق می ساختند تا دو قسمت ساختمان به هم وصل شود.

این تاق ها در نقاط گرم مانند یزد مردم عابر را از تابش گرم آفتاب در امان نگه می داشت.

تاق های مشهور شیراز عبارت بود از:

۱ – تاق مشیر (جنب سرای مشیر، بین اردوبازار و بازار وکیل)

۲ – تاق مسجد مشیر (سمت شمال مسجد مشیر)

۳ – تاق اسکورو، (جنب بازار وکیل شمالی) آنچه محلی برای بسته بندی و فشردن بسته های پنبه بود.

۴ – تاق میزجونی (میرزاجانی) (نزدیک خیابان احمدی جنوبی، نرسیده به شاهزاده قاسم).

۵ – تاق ساعت (در کوچه ی روبروی حسینیه ی قوام)

۶ – تاق چاوش ها (روبروی طاق میرزاجانی)

۷ – تاق ذوالریاستینی (در محله ی میدان شاه که خانقاه و خانه ی آقا ذوالریاستین، پیر و مرشد درویشان این فرقه زیر آن طاق قرار داشت.

– تاق مشیر

– تاق مشیر

– تاق مشیر

– تاق مشیر

– تاق مشیر

– تاق مشیر

– تاق مشیر

– تاق مشیر

– تاق مشیر